

اثربخشی مداخله مبتنی بر مدل بوم‌شناختی در کاهش میل به طلاق و تعارض زناشویی^۱

کیومرث فرحبخش^۲، احمد خاکی^۳، دکتر عبدالله معتمدی^۴

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱ _ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۵

هدف: پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی مداخله مبتنی بر مدل بوم‌شناختی در کاهش میل به طلاق و تعارض زناشویی زوجین ارجاعی به شورای حل اختلاف و مراکز مداخله بهزیستی استان مرکزی انجام شد. **روش:** این پژوهش از نوع مطالعات شبه آزمایشی با گروه آزمایش و گواه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمام زوج‌های ارجاعی به شورای حل اختلاف و مراکز مداخله بهزیستی استان مرکزی تشکیل می‌دادند و نمونه آماری شامل ۳۰ زوج بود که به شیوه در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه مساوی تقسیم شدند. از پرسشنامه‌های میل به طلاق (روزلت، جانسون و مارو، ۱۹۸۶) و تعارض زناشویی (ثنایی، ۱۳۷۹) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. در نهایت داده‌ها با استفاده از آزمون کوواریانس تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که نمره میل به طلاق و تعارض زناشویی زوج‌های گروه آزمایش در پس آزمون به طور معنی‌داری کمتر از گروه گواه شده بود ($p < 0.05$). **نتیجه‌گیری:** با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت مداخله مبتنی بر مدل بوم‌شناختی بر کاهش میل به طلاق تعارض زناشویی زوج‌ها تاثیر معنی‌داری دارد.

واژه‌های کلیدی: بوم‌شناختی، میل به طلاق، تعارض زناشویی

۱. این مقاله برگرفته از بخشی از پایان نامه دکتری مشاوره با عنوان «تدوین مدل آموزش زوج درمانی بوم‌شناختی چند بعدی به مشاوران و اثربخشی آن بر کاهش میل به طلاق زوج‌های ارجاعی از دادگستری در استان مرکزی» می‌باشد.

۲. (نویسنده مسئول) دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

۳. دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی تهران. (Ahmadkhaki@yahoo.com)

۴. دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

طلاق یکی از عوامل ایجادکننده اختلال و آشفتگی در زندگی انسان‌هاست. طلاق در افرادی که بخشی از این پدیده هستند، یک تجربه فردی شدید است. پیشینه تحقیقات در درجه اول به کسانی اشاره دارد که در اثر طلاق آسیب دیده اند و استرس نشان می‌دهند (سان و لی،^۱ ۲۰۰۹). از سوی دیگر تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که حداقل به یکی از همسران وارد می‌شود که ممکن است از طریق برآورده نشدن نیازها یا اهداف، شیوه‌های مقابله‌ای ضعیف، مدیریت حوادث زندگی، یا ناتوانی در انتقال احساس به همسر باشد (یانگ و لانگ،^۲ ۱۹۹۸؛ به نقل از رسی، هولتز ورت-مونرو و راد،^۳ ۲۰۱۶). رشد کمی و کیفی این پدیده در جامعه ایرانی، به یکی از مسایل اجتماعی جدی تبدیل شده، به طوری که امروزه دیگر واژه طلاق قبح گذشته را ندارد و افراد آن را به عنوان یک انتخاب فردی در نظر می‌گیرند. آمارهای نشان می‌دهند که طلاق در چند سال گذشته در حال افزایش است. این وضعیت نشانگر تغییرات عمده در ساختار نهاد خانواده می‌باشد (پروین، داوودی و محمدی، ۱۳۹۱).

نرخ رشد طلاق طی سال‌های اخیر سیر صعودی داشته است. بر اساس آمارهای بدست آمده از سازمان ثبت احوال کشور در ایران در سال ۱۳۷۹، ۶۴۶ هزار و ۴۹۸ نفر با هم ازدواج کرده اند و در هر هفتمین سال ۵۳ هزار و ۷۶۷ نفر از هم جدا شده اند. به عبارت دیگر از هر ۱۰۰ ازدواج ۸/۳ فقره از آن‌ها به طلاق منجر شده است. این در حالی است که در سال ۱۳۸۴ از هر ۱۰۰ ازدواج تقریباً ۱۰/۷ به طلاق منجر شده است و این رقم در سال ۱۳۸۸ به ۱۴ فقره در هر ۱۰۰ ازدواج افزایش یافته است. این آمار حاکی از افزایش نرخ طلاق دارد. درصد تغییرات ازدواج در سال ۹۰ نسبت به سال ۸۱ حدود ۱۵ درصد رشد مثبت داشته است؛ درحالی‌که در همین زمان درصد تغییرات طلاق

^۱ Sun, Y. & Li, Y.

^۲ Young, E. & Long, L.

^۳ Rossi, F. Holtzworth-Munroe, A. & Rudd, B.

بیش از ۶ برابر یعنی حدود ۹۳ درصد رشد داشته است. نسبت طلاق در سال ۸۱ برابر ۱۰/۴ درصد بوده است و در سال ۹۰ به ۱۷/۵ درصد رسیده است. در سال ۹۲ هم در کل کشور ۱۵۵۳۶۹ مورد طلاق به ثبت رسیده است که از این تعداد ۳۵۰۷ مورد به استان مرکزی مربوط می شود (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۳).

با توجه به این که عوامل زیادی در افزایش آمار طلاق (مانند نبود آگاهی کافی در رابطه ازدواج، نبود شناخت ویژگی های زن و مرد، عدم تناسب و انتخاب درست همسر و سایر عوامل دیگر) دخیل هستند ولی سوال اصلی اینجاست که با اینکه شیوه های مداخله مختلفی برای بهبود وضعیت زندگی زوجها به کار می رود، چرا هنوز آمار طلاق رو به افزایش است و مخاطبین این دوره ها بعد از آموزش و بعد از مدت طولانی دوباره به حالت های روانشناختی ماقبل از این آموزش ها باز می گردند؟ یکی از دلایل این مسئله می تواند عدم توجه این رویکردها و برنامه های مداخله ای به وضعیت محیط فرهنگی و ارزشی زوجها باشد. از طرفی به نظر می رسد نظریه های مشاوره فردی و نظریه های خانواده درمانی در کمک به مراجعان به اکولوژی و محیط زیست طبیعی یا در معنای وسیع تر به کلیه محیط های که فرد را احاطه کرده است و همچنین به تعامل انسان با محیط کمتر توجه و علاقه مندی نشان داده اند. رویکرد بوم شناختی^۱ از جمله رویکردهای است که اخیرا در حیطه مشاوره و روان درمانی مطرح شده است. این رویکرد به تفاوت های افراد توجه کرده و آنها را به صورت سیستمی در نظام های مختلفی که در آن زندگی می کنند، مورد بررسی قرار می دهد. مدل های بوم شناختی به این خاطر مهم هستند که فرض می کنند رابطه بین مراجع و مشاور نمی تواند جدای از سیستم های متنوعی که هر دوی آنها در آن زندگی می کنند، درک شود. همانگونه که مشاور تحت تاثیر این سیستم ها بوده است، مراجع نیز به نوبه ی خود تحت تاثیر سیستم های بوم شناختی خود بوده است (شاپ و اکانل^۲، ۲۰۰۵). واژه اکوسیستم^۳ اشاره

^۱ ecological model.

^۲ Shupe. J, & O Connell, P.

^۳ Ecosystem.

به مجموعه تعاملاتی دارد که در زندگی یک فرد و در درجات مختلف (از ویژگی‌های بیولوژیک گرفته تا دامنه وسیع تر شامل بافت‌های فرهنگی اجتماعی) بر روی تعاملات انسانی اثر گذار هستند، را شامل می‌شود (سالیس، اون و فیشر،^۱ ۲۰۱۵؛ شکرمی، داورنیا و زهراکار، ۱۳۹۲). برونفن برنر^۲ چهار سیستم را که بر روی رفتار اثر می‌گذارند مشخص کرده است. این سیستم‌ها عبارتند از: میکروسیستم^۳ که شامل روابط بین فردی در یک محیط است مانند خانه و مدرسه، میان سیستم^۴ که شامل ارتباط دو یا چند خرده سیستم با هم می‌شود، فراسیستم^۵ شامل ارتباط بین خرده سیستم‌های که به صورت غیر مستقیم با فرد در ارتباط هستند و ماکروسیستم^۶ که شامل عناصر ایدئولوژیکی یک جامعه یا محیط می‌شود مانند باورها و ارزش‌ها می‌شوند (نویل و موبلی،^۷ ۲۰۰۱). در این رویکرد رشد فرد نه محصول خود او و نه در اثر شرایط محیطی او حاصل می‌شود، بلکه افراد و محیط با یکدیگر تعامل همیشگی و پویا دارند و رفتار افراد در نتیجه عوامل چندگانه در سطح فردی، میان فردی، در سطح وسیع تر اجتماعی و فرهنگی است. در رویکرد بوم‌شناختی تاکید بر مراجع است و اهداف و روش‌های مشاوره در پی شکل دادن به تعاملات شخص با محیط و در جهت رشد اوست. برای تعاملات بهینه شخص با محیط از شیوه‌های متعددی استفاده می‌شود که درمورد هر یک از مراجعین متفاوت است (مک ماهون، ماسون، دالوگا-گیونتر و رویز،^۸ ۲۰۱۴؛ آراین،

^۱ Sallis, J. Owen, N. & Fisher, E.

^۲ Bronfen Brenner.

^۳ Microsystem.

^۴ Mesosystem.

^۵ Exosystem.

^۶ Microsystem.

^۷ Neville, H. & Mobley, M.

^۸ McMahon, H. Mason, E. Daluga-Guenther, N. & Ruiz, A.

۱۳۸۷). کووک، هپنر و او برین^۱ (۲۰۱۲) معتقد است در این رویکرد به دنبال پاسخ گویی به این سوال می‌باشیم که مشکل در کجای اکولوژی (بوم) مراجع قرار گرفته است؟ و چه معنی برای مراجع دارد؟

در رابطه با استفاده از رویکرد بوم‌شناختی در مشاوره کرمی (۱۳۸۶) در مطالعه خود نشان داد که آموزش راهبردهای مدیریت نقش‌های کار- خانواده با استفاده از رویکرد بوم‌شناختی موجب افزایش رضایت زناشویی زنان شاغل در خانواده‌های دو شغلی می‌شود. همچنین عابدینی و آرین (۱۳۸۹) در پژوهشی که به بررسی اثربخشی آموزش مدیریت نقش‌های کار- خانواده مبتنی بر رویکرد بوم‌شناختی بر افزایش خودکارآمدی معلمان زن پرداختند به این نتیجه رسیدند که آموزش‌های مبتنی بر رویکرد بوم‌شناختی بر افزایش خودکارآمدی معلمان زن موثر است. در رویکرد بوم‌شناختی چندبعدی مشخص شده است که چطور مکان‌ها و عملکردهای چندگانه می‌توانند به طور بالقوه کار مشاور را شکل دهند. مشاوران می‌توانند با روش‌های مستقیم (فردی و گروهی) یا غیر مستقیم (مشورت، برنامه ریزی، طراحی) با اهداف درمانی، رشدی، و یا پیشگیری در شخص یا محیط به عنوان اهداف تغییر مداخله کنند. این رویکرد همچنین بر اهمیت تفسیر شخص از وقایع زندگی به عنوان فرایندهای میانجی تاکید می‌کند که رفتار شخص و محیط را در یک تعامل پویا شکل می‌دهد. با توجه به اهمیت رویکرد بوم‌شناختی چندبعدی در مشاوره و از آنجایی که که کمتر این روش را در مشاوره طلاق به کار برده اند، بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا زوج‌درمانی بر اساس الگوی بوم‌شناختی بر روی کاهش میل به طلاق و تعارض زناشویی زوج‌های ارجاعی به شورای حل اختلاف و مراکز بهزیستی موثر است؟

بر اساس سوال فوق دو فرضیه برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است که به شرح ذیل است.

۱_ زوج‌درمانی بر اساس مدل بوم‌شناختی بر کاهش طلاق در زوج‌های ارجاعی از

^۱ Cook, E. Heppner, M. & O'Brien, K.

شورای حل اختلاف و مراکز بهزیستی در استان مرکزی موثر است.

۲_ زوج درمانی بر اساس مدل بوم شاختی بر حفظ و ثبات خانواده (کاهش تعارضات) در زوج‌های ارجاعی از شورای حل اختلاف و مراکز بهزیستی در استان مرکزی موثر است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات نیمه آزمایشی با گروه آزمایش و گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوج‌های مراجعه کننده به مراکز مشاوره بهزیستی استان مرکزی می‌شد. از بین این زوج‌ها ۳۰ زوج به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی تعداد ۱۵ زوج در گروه آزمایش و تعداد ۱۵ زوج در گروه گواه جایگزین شدند. گروه گواه هیچ مداخله ای را دریافت نکردند. جدول زیر مراحل اجرای روش زوج درمانی را به صورت خلاصه نشان می‌دهد.

جدول ۱. مداخله مبتنی بر مدل بوم شاختی

مرحله	عنوان	توضیحات
مرحله اول: ارزیابی و تشخیص	ارزیابی و تشخیص	اولین مرحله درمان به شناسایی تاریخچه زوج، الگوهای تعاملی، مسائل بهداشت روان، احتمال خشونت و سوء مصرف مواد و تعارضات خانوادگی اختصاص یافته است. در واقع با استفاده از ارزیابی تعیین کردیم که آیا این زوج برای مشاوره زوجی مناسب هستند یا نه.
مرحله دوم: هدف گذاری	هدف گذاری	در این مرحله هر یک از اعضای زوج نتیجه مورد انتظار درمان را شناسایی می‌کنند. به عبارت دیگر از آن‌ها درخواست می‌شود تا تصمیم بگیرند که اگر قرار باشد مشکل بعد از مدتی وجود نداشته باشد چه چیزی تغییر خواهد کرد و در واقع از آن‌ها خواسته می‌شود که زندگی را بدون مشکل تصور کنند. هدف این مرحله، در واقع این که زوج آشفته را در یک زمینه کمک کننده متمرکز می‌کند، این است که مشکل را به هدف تبدیل می‌کند.

روابط و مداخلات	در مراحل ۱ و ۲، زوج فرصتی برای آشکارسازی شکایات داشتند. در این مراحل، از طریق بررسی و شناسایی ویژگی‌های مثبت هر یک از همسران، و این که چگونه این ویژگی‌ها در موقعیت‌های مشابه گذشته کمک کننده بوده اند، زن و شوهر قادر می‌شوند تا یکدیگر را و همچنین موقعیت را به طور مثبت تری در نظر بگیرند. در مدل بوم‌شناختی چندبعدی، اجازه استفاده از دامنه وسیعی از مداخلات، که توسط درمانگر طراحی شده و توسط مراجعان مورد قبول واقع شده است را می‌دهد. در اینجا سه فن ویژه آموزش ارتباط، میانجی گری طلاق و درمان مشکلات جنسی که با توجه به فرهنگ ایرانی اسلامی و «بوم» جامعه مورد پژوهش طراحی شده است معرفی می‌گردد: زوج‌ها می‌خواهند بتوانند بر سر مراقبت از فرزند حاصل ازدواج قبلی با هم گفتگو کنند (رفتاری) و در پایان احساس خوبی نسبت به روابطشان داشته باشند (عاطفی).
تداوم بخشی	در این مرحله، درمانگر از زوج می‌خواهد تا برنامه تداوم بخشی روابطشان را که چگونگی کنار آمدن با موانع مورد انتظار را نشان می‌دهد، ترسیم کنند. بخشی از این برنامه می‌تواند شامل ملاقات‌های پیگیرانه با درمانگر، شرکت در فعالیت‌های استحکام بخشی ازدواج و یا برنامه ریزی راه‌های گریز باشد. ب
اقدامات بخشی	در این مرحله، ممکن است زوج، مشکلاتی که به سبب آن به مشاوره روی آورده اند را به طور کامل حل نکرده باشند، اما به مشکلات ضربه وارد کرده اند و اکنون احساس بهتری داشته و امیدوارتر هستند. در این مرحله درمانگر از آنها می‌خواهد تا اهداف تعیین شده در مرحله دوم را با روابط کنونی خود مقایسه کنند. این برنامه می‌تواند شامل دیدارهای دوره‌ای با درمانگر در فواصل زمانی سه ماهه و شش ماهه باشد.

پرسشنامه میل به طلاق: این پرسشنامه ۲۸ سؤالی توسط روزلت، جانسون و مارو

(۱۹۸۶) طراحی شده است و دارای ۴ بعد می‌باشد که هر بعد ۷ سوال را در برمی‌گیرد. این چهار بعد عبارتند از خارج شدن، ابراز، وفاداری و مسامحه. روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶) ضریب آلفای این ابعاد را به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۷۶، ۰/۶۳ و ۰/۸۶ گزارش کردند (روزلت و بونک، ۱۹۹۳). روایی پرسشنامه به صورت بررسی محتوایی توسط پنج متخصصین توسط یوسفی و کیانی (۱۳۹۱)، داوودی و همکاران (۱۳۹۰)، مجدداً مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. داوودی و همکاران (۱۳۹۰) پایایی هر یک از خرده مقیاس‌های خارج شدن، ابراز، وفاداری و مسامحه را به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۷۲، ۰/۸۶ و ۰/۹ بدست آوردند.

پرسشنامه تعارض زناشویی: برای سنجش تعارض زناشویی در این پژوهش از پرسشنامه ثنائی (۱۳۷۹) استفاده شد. این پرسشنامه هشت بعد از تعارضات را می‌سنجد که عبارت‌اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه در یک گروه ۲۷۰ نفری ۰/۹۶ و برای ۸ خرده مقیاس آن به این ترتیب بدست آمد: کاهش همکاری ۰/۸۱، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۱، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۰، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۳۳، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۸۶، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۹. جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۱ و کاهش ارتباط مؤثر ۰/۶۹. در مرحله تحلیل محتوای آزمون، پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سؤال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، به دلیل همبستگی مناسب سؤالات، هیچ سؤالی حذف نشد (ثنائی، ۱۳۷۹). بخشی پور و همکاران (۱۳۹۱) آلفای کرونباخ را برای کل پرسشنامه ۰/۹۰ گزارش کردند.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۲ به تفکیک گروه

آزمایش و گواه آورده شده است

جدول شماره ۲. آمار توصیفی گروه‌های آزمایش و گواه

متغیر	گروه	تعداد	پیش آزمون		پس آزمون	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نمره کل تعارض	آزمایش	۱۵ زوج	۱۳۱/۶۸	۸/۷۱	۱۱۲/۶۴	۷/۷۸
زناشویی زوج‌ها	گواه	۱۵ زوج	۱۳۱/۰۹	۸/۸۴	۱۳۱/۷۵	۹/۲۷
میل به طلاق	آزمایش	۱۵ زوج	۶۷/۰۸	۱۰/۳۳	۵۹/۹۱	۹/۹۲
	گواه	۱۵ زوج	۶۶/۶۲	۹/۷۵	۶۷/۰۸	۸/۵۶

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین نمرات میل به طلاق و تعارض زناشویی در پیش آزمون در گروه‌های آزمایش و گواه تفاوت چندانی باهم ندارند، اما در پس آزمون نمرات دو گروه با یکدیگر متفاوت شده‌اند. به منظور بررسی معنی داری این تفاوت و آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد. قبل از انجام تحلیل‌های استنباطی، پیش فرض‌های تحلیل کوواریانس شامل نرمال بودن توزیع نمرات، همسانی واریانس‌های دوگروه و همگنی شیب رگرسیون مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس

متغیر	منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری	مجذور اتا
تعارض زناشویی	گروه	۳۱۵/۷۵	۱	۳۱۵/۷۵	۴۳/۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۵۴
میل به طلاق	گروه	۱۴۶/۵۹	۱	۱۴۶/۵۹	۲۸/۹۰	۰/۰۰۰۱	۰/۴۱

جدول ۲ نتایج آزمون کوواریانس را نشان می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌شود مقدار F هم برای تعارض زناشویی و هم برای میل به طلاق معنی دار است ($p < ۰/۰۱$).

این یافته نشان می‌دهد که بین گروه گواه و آزمایش در میانگین میزان میل به طلاق و تعارضات زناشویی پس از اجرای زوج‌درمانی به شیوه بوم‌شناختی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و این رویکرد درمانی منجر به کاهش این دو متغیر در گروه آزمایش شده است. اندازه اثر متغیر گروه در میل به طلاق $0/41$ و در تعارض زناشویی $0/54$ بود که نشان می‌دهد 41 درصد از کاهش میل به طلاق و 54 درصد از کاهش تعارض زناشویی مربوط به تأثیر متغیر مستقل است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش اثربخشی زوج‌درمانی بر اساس الگوی بومی بر کاهش میل به طلاق و تعارضات زناشویی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که این برنامه مداخله‌ای در کاهش میل به طلاق و تعارض زناشویی موثر بوده است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان به رویکرد تعامل‌گرایی نمادین^۱ (SI) اشاره کرد. این رویکرد معتقد است شیوه‌ای که یک فرد چیزی را تعریف و یا ادراک می‌کند رفتارهای او را در رابطه با آن چیز هدایت می‌کند (بلومر، ۱۹۶۹). تعامل‌گرایی نمادین معتقد است که تفسیر ذهنی یک فرد از یک شیء، موقعیت یا مفهوم، نقش مهم و میانجی در ارتباط با مواجهه آن فرد با یک محرک (شیء، موقعیت و غیره) و عکس‌العمل وی با آن ایفا می‌کند. در گسترش این مفروضه به ازدواج می‌توان گفت، مفهوم سازی افراد از ازدواج (یا معنای آن برای آنها) می‌بایستی تأثیراتی را روی رفتارهای زناشویی و پیامدهای موفقیت زناشویی داشته باشد. این مفهوم سازی تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ و محیط بوم شناختی افراد قرار دارد. بنابراین توجه به محیط بوم شناختی افراد و تمرکز روی درمان‌های مبتنی بر یک مدل بوم شناختی می‌تواند در اثربخشی بهتر درمان‌های زناشویی کمک کند.

اجتماع و فرهنگی که در آن یک فرد رشد و تکامل پیدا می‌کند یک منبع مهم اطلاعات درباره نقش‌های فردی وی تلقی می‌شود (استریکر، ۱۹۸۰). بنابراین

^۱ symbolic interactionism.

هنجارهای اجتماعی در شکل دهی معنایی که افراد به نقش هایشان در ازدواج نسبت می‌دهند تأثیر می‌گذارد. در نتیجه انتظار می‌رود بعضی از اشتراکات معنایی در مورد ازدواج در افراد یک جامعه وجود داشته باشد که انعکاسی از هنجارها و آداب و رسوم کنونی آن جامعه هستند (هال، ۲۰۰۶). در رویکرد بوم شناختی به ارزش‌های فرهنگی و محیطی فرد توجه خاصی می‌شود. ارزش‌ها نقش زیادی در رفتارها و نگرش‌های زوجها دارند، بنابراین هنگام انجام روش‌های درمانی در هر فرهنگی باید به ارزش‌های فرد و آن فرهنگ توجه کرد. برنامه‌های مشاوره در غرب، مانند دیگر ساختارهای انسانی، از زمینه‌های معرفت شناختی برگرفته شده‌اند که سرمنشأ آن ارزشهای غربی است (کوهن، ۲۰۰۵)، بنابراین نمی‌تواند در کار با زوج‌های ایرانی کاملاً مؤثر واقع شود.

براون (۱۹۹۶) اظهار می‌دارد که فرهنگ و جنسیت دو عامل مهمی هستند که بر رشد ارزش‌های افراد، خصوصاً ارزش‌های خانوادگی، تأثیر گذارند، با این وجود دین و مذهب نیز از عوامل دیگری هستند که رشد ارزش‌های افراد را در افراد تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. اگر چه تأثیر جنسیت و قومیت (فینگولد، ۱۹۹۴؛ آتکینسون، ۱۹۸۵) بر جنبه‌های مختلف شغلی افراد، اساس پژوهشی قابل توجهی دارند، اما مذهب و دین یک «فرهنگی» است که فقدان اساس پژوهشی قابل توجهی در این زمینه وجود دارد (دافی و لنت، ۲۰۰۸) و رویکردهای مبتنی بر مدل بوم شناختی که به متغیرهای محیطی مانند دین و فرهنگ توجه می‌کنند می‌توانند اثربخشی بیشتری نسبت به رویکردهای سنتی داشته باشند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد مبتنی بر مدل بوم شناختی می‌تواند بر کاهش میل به طلاق و تعارض زناشویی زوجها مؤثر باشد. بنابراین می‌توان از این رویکرد در مراکز اورژانس اجتماعی بهزیستی یا سایر مراکز مشابه که با زوج‌هایی که دادخواست طلاق داده‌اند سروکار دارند، استفاده کرد. با این وجود، به دلیل اینکه این مدل بوم شناختی برگرفته از یک کار کیفی بود که توسط محققان انجام شد، پیشنهاد می‌شود اثربخشی آن در مطالعه‌های دیگر نیز مورد بررسی قرار بگیرد.

پیشنهاد می‌شود با توجه به الگوهای زوج درمانی مذهبی، مواردی به مدل بوم شناختی اضافه شود تا توجه به متغیرهای دینی در این مدل‌ها با توجه به فرهنگ مذهبی جامعه بیشتر شود.

منابع

- آراین، خ. (۱۳۸۷). کاربرد رویکرد بوم‌شناختی در مشاوره با زنان شاغل در خانواده‌های دو شغلی. مجله تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۷، شماره ۲۸، ۳۸-۴۹.
- اجاقی، م. (۱۳۹۲). *اثر بخشی آموزش مدارا با رویکرد اسلامی بر کاهش میل به طلاق و بهبود رابطه‌ی صمیمانه‌ی زنان متقاضی طلاق شهرستان خدابنده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- بخشی پور، ب.، اسدی، م.، کیانی، ا.، شیرعلی پور، ب.، احمد دوست، ح. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*. ۱۳(۲)، ۱۸-۱۰.
- بهاری، ف.، فاتحی زاده، م.، احمدی، س.، مولوی، ح.، بهرامی، ف. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی همسران بر کاهش تعارض‌های زناشویی زوج‌های متعارض متقاضی طلاق. *مجله پژوهش‌های روان شناسی بالینی و مشاوره*. ۱(۱)، ۵۹-۷۰.
- پروین، س.، داوودی، م.، محمدی، ف. (۱۳۹۱). عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. *مطالعات راهبردی زنان*. ۱۴(۵۶)، ۱۱۹-۱۵۳.
- داوودی، ز.، اعتمادی، ع.، بهرامی، ف. (۱۳۹۰). رویکرد کوتاه مدت راه حل محور برای کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد به طلاق. *فصلنامه علمی _ پژوهشی رفاه اجتماعی*. ۱۱(۴۳)، ۱۲۱-۱۳۴.
- حسینی، م. (۱۳۹۰). نظریه‌ها و فنون خانواده درمانی. تهران، انتشارات رشد.
- عابدینی، ف.، آراین، خ. (۱۳۸۹). اثر بخشی آموزش مدیریت نقش‌های کار- خانواده مبتنی بر رویکرد بوم‌شناختی بر افزایش خود کارآمدی معلمان زن. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*. ۲(۵)، ۶۹-۵۶.
- علیمردانی، ص.، فاتحی زاده، م.، جلالی، م.، باغبان، ا. (۱۳۸۹). مقایسه فرایند داوری خانوادگی و مشاوره در کاهش میل به طلاق زوج‌های متقاضی طلاق شهر اصفهان. *مجله‌های تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*. ۹(۳۳)، ۸۵-۶۷.
- کرمی، م. (۱۳۸۶). *اثر بخشی آموزش راهبردهای مدیریت نقش‌های کار خانواده بر افزایش رضایت شغلی و رضایت زناشویی زنان شاغل در خانواده‌های دو شغلی بر اساس رویکرد زیست بوم‌شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- امینی، ز.، قهاری، ش.، ترخان، م.، کریمی، ت. (۱۳۹۰). آموزش حل اختلافات بر کاهش تعارضات زوج‌ها در معرض طلاق. *فصلنامه تازه‌های روان درمانی*. سال ۱۷، شماره ۶۱ و ۶۲، ۶۷-۸۰.
- یوسفی، ن.، کیانی، م. (۱۳۹۱). تاثیر گشتالت درمانگری و معنادرمانگری بر کاهش میل به طلاق مردان متقاضی مشاوره. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*. ویژه نامه خانواده و طلاق. شماره ۱. ۴۵-۵۷.

- یوسفی، ن. (۱۳۹۰) مقایسه اثربخشی خانواده‌درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی و نظام عاطفی بون بر میل به طلاق در مراجعان متقاضی متارکه شهر سقز. *مجله روانشناسی بالینی*. سال سوم. شماره ۳. صص ۵۳-۶۴.
- شکرمی، م.، داورنیا، ر.، زهرا کار، ک. (۱۳۹۲) اثربخشی درمان کوتاه مدت راه‌حل محور را بر کاهش استرس زناشویی زنان. *فصلنامه دانشکده علوم پزشکی ایلام*. ۲۲(۴). ۲۶-۱۸.

- Atkinson, D. R. (1985). A meta-review of research on cross-cultural counseling and psychotherapy. *Journal of Multicultural Counseling & Development*, 13, 138-153.
- Berger, R., & Hannah, M. T. (2013). *Preventive approaches in couple's therapy*: Routledge.
- Blumer, H. (1969). *Symbolic interactionism: Perspective and method*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Brown, D. (1996). Values in Life Role choices and Outcomes: A Conceptual Model. *The Career Development Quarterly*, 44, 211-223.
- Bulanda, J. R., & Brown, S. L. (2007). Race-ethnic differences in marital quality and divorce. *Social Science Research*, 36(3), 945-967.
- Byrne, M., Carr, A., & Clark, M. (2004). The efficacy of behavioral couple's therapy and emotionally focused therapy for couple distress. *Contemporary Family Therapy*, 26(4), 361-387.
- Cook, E. P., Heppner, M. J., & O'Brien, K. M. (2002). Career development of women of color and White women: Assumptions, conceptualization, and interventions from an ecological perspective. *The Career Development Quarterly*, 50(4), 291-305.
- Duffy, R. D., & Lent, R. W. (2008). Relation of religious support to career decision self-efficacy in college students. *Journal of Career Assessment*, 16, 360-369.
- Feingold, A. (1994). Gender differences in personality: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 116, 429-456.
- Hall, S.S. (2006). Marital meaning: Exploring young adults' belief systems about marriage. *Journal of Family Issues*, 27 (10), 1437-1458.
- Kohn, C. S. (2005). Extreme Relationship Standards in the Context of Discordant and Nondiscordant Couples. *Cognitive and Behavioral Practice*, 12, 319-323.
- McMahon, H. G., Mason, E., Daluga-Guenther, N., & Ruiz, A. (2014). An ecological model of professional school counseling. *Journal of Counseling & Development*, 92(4), 459-471.
- Miller, P. J., Caughlin, J. P., & Huston, T. L. (2003). Trait expressiveness and marital satisfaction: The role of idealization processes. *Journal of Marriage and Family*, 65(4), 978-995.
- Neville, H. A., & Mobley, M. (2001). Social identities in contexts: An ecological model of multicultural counseling psychology processes. *The Counseling Psychologist*, 29(4), 471-486.
- Rossi, F. S., Holtzworth-Munroe, A., & Rudd, B. N. (2016). Intimate partner violence and child custody. *Parenting plan evaluations: applied research for the family court*, 346-374.

- Sallis, J. F., Owen, N., & Fisher, E. (2015). Ecological models of health behavior. *Health behavior: theory, research, and practice*. 5th ed. San Francisco: Jossey-Bass, 43-64.
- Shupe, J. M & O Connell, P. W (2005). An Ecological Model for Counselor Pedagogy Incorporating Service Learning. *Journal of college teaching and learning*, VOL 2, NO, 8.
- Stryker, S. (1980). Symbolic interactionism: A social structural version. Redwood City, CA: Benjamin-Cummings.
- Sun, Y., & Li, Y. (2009). Parental divorce, sib ship size, family resources, and children's academic performance. *Social Science Research*, 38(3), 622-634.